

به نام خدا

عرفانِ جمالی

(زیبایی پرستی ایرانی در اندیشه‌های

عین‌القضات، روزبهان، ابن عربی، ابن سبعین و حافظ)

دکتر علی اکبر افراسیاب‌پور

انتشارات ترفند

افراسیاب پوره علی اکبر، ۱۳۴۱

عرفان جمالی: (زیبایی پرستی ایرانی در اندیشه های عین القضاة،
روزیهان، ابن عربی، ابن سبعین و حافظه) / علی اکبر افراسیاب پور، - تهران:
ترفند، ۱۳۸۶.

ISBN: 964-7332-55-6

۱۹۲ ص.

نهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتاب نما

۱. زیبایی شناسی (حرفان). ۲. زیبایی شناسی - جنبه های مذهبی - اسلام.
۳. زیبایی شناسی در ادبیات. الف. عنوان. ب. عنوان: (زیبایی پرستی ایرانی در
اندیشه های عین القضاة، روزیهان، ابن عربی، ابن سبعین و حافظه).

۲۹۷/۸۳

ع ۷ الف / ۹ / ۸۸۶ BP

۷۸۰۶ - ۸۵ م

کتابخانه ی ملی ایران

انتشارات ترفند

تهران. صندوق پستی: ۱۱۹-۱۷۱۸۵، تلفن: ۶۶۸۳۶۲۷۶ و ۹۱۳۶۱۱۱۵۱۲

www.iran-ketab.com/tarfund

عرفان جمالی

زیبایی پرستی ایرانی در اندیشه های عین القضاة،

روزیهان، ابن عربی، ابن سبعین و حافظه

مؤلف: دکتر علی اکبر افراسیاب پور

طراح جلد سیروس آقاخانی

لینوگرافی صدف • چاپخانه تصویر • صحافی کتبه

نوبت چاپ نخست ۱۳۸۶ • شمارگان ۱۵۰۰ نسخه

قیمت ۲۳۰۰ تومان • شماره نشر ۶۳

ISBN: 964-7332-55-6

شابک: ۹۶۴-۷۳۳۲-۵۵-۶

© حق چاپ: ۱۳۸۶، انتشارات ترفند

فهرست

پیش‌گفتار.....	۵
مکتب جمال در عرفان ایرانی و اسلامی.....	۱۳
وحدت وجود جمالی.....	۴۶
عرفان جمالی و دیدار خداوند.....	۷۰
تأثیر عرفان روزبهاں بر حافظ.....	۱۰۷
تأثیر عین‌القضات بر ابن عربی.....	۱۳۳
نور از دیدگاه ابن سبعین.....	۱۶۳

پیش‌گفتار

فرشته از چه خورد؟ از جمال حضرت حق

غذای ماه و ستاره ز آفتاب جهان

غذای خلق در آن قحطِ حُسنِ یوسف بود

که اهل مصر رهیده بُدند از غم جان

(کلیات شمس، ۲۱۹۴۵)

عرفان کوششی آگاهانه و عاشقانه برای رسیدن به حقیقت است و کمالِ عرفان در پُر بارترین شاخهٔ آن، یعنی «عرفان ایرانی» قابل مشاهده است و به ویژه شعرهای عارفان ایرانی مکتب‌ها و اندیشه‌هایی را دربردارد که می‌توانند به پرسش‌های انسانِ امروز و آینده پاسخ‌هایی قانع‌کننده بدهند و جانِ تشنهٔ حقیقت جوین را سیراب نمایند. در این عرفان، حقیقت در ظاهرِ مادیِ جهان محدود نمی‌شود، بلکه سیر معنوی و رسوخ در باطنِ امور برای روشن‌بینی نیز ضروری است. عقل و فلسفه‌های مبتنی بر آن و علوم تجربی و مادی را در جای خود محترم و ارزشمند دانسته و از دستاوردهای تخصصی آنها استفاده می‌کنند، اما اجازه نمی‌دهند که این علوم از حوزهٔ خود فراتر رفته و در مورد مناطقی که دسترسی ندارند نیز اظهار نظر کنند. البته در این عرفان،

عقل و فلسفه هم تا مرحله‌ای معین و در جای خود، بخشی از سلوک معنوی و باطنی به شمار آمده و برای آن نیز نوعی معنویت قائل هستند.

علوم تجربی و فلسفه‌های مادی در دنیای امروز از حیطه خود فراتر رفته و به اثبات یافته‌های خود اکتفا نمی‌کنند، بلکه آنچه که در حوزه آنها نیست را انکار می‌کنند. چنان اخلاقی انکارگرایانه، معنویت سوز، و بی منطقی را در جهان حاکم نموده‌اند که جوامع انسانی را به بحران کشانده و به مردم تلقین نموده که تا چیزی را علوم تجربی تأیید ننموده، نپذیرند، بلکه انکار کنند. همین دیدگاه مادی زندگی انسان و بلکه کره خاکی را تهدید می‌کند. خوشبختانه در هزاره سوم کم کم بر اهمیت معنویت در زندگی انسان افزوده شده و قطعیت در علوم تجربی مورد تردید قرار گرفته است.

با عرفان می‌توان بر این بحران غلبه نمود، به ویژه با عرفان ایرانی که جامع‌ترین مکتب‌ها را در بخش نظری و عملی ارائه نموده و اگر به جهانیان عرضه گردد با استقبال مواجه خواهد شد. یکی از عمیق‌ترین مکتب‌های عرفان ایرانی، مکتب جمال یا زیبایی پرستی نام دارد که هنوز ناشناخته مانده و در این کتاب با نگاهی نوین و با فلسفه‌ای همه جانبه به این مکتب پرداخته شده است. این عرفان عاشقانه و جمال پرستانه راهی نو به روی جهانیان می‌گشاید.

جهان در هزاره جدید، بیش از هر چیز به عرفان، عشق، زیبایی، فلسفه و اندیشه‌های نوینی نیاز دارد که از طریق آنها طرحی نو درافکنده و بر بحران‌های مادی و معنوی موجود فایق آید. انسان امروز اسیر زنجیرهای خودساخته‌ای شده که از آنها به تنگ آمده و به هر رسمانی چنگ می‌زند تا از این مرحله خطرناک نجات یابد و بتواند کره زمین را به ویژه در بخش حیات گیاهی و حیوانی از آسیب‌های جدی برهاند.

مکتب‌هایی که از فلسفه‌ای ضعیف برخوردار بودند، آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر بر وجدان بشری وارد ساخته و مانند مارکسیسم خاطره‌ناگواری را بجا نهاده‌اند و مکتب‌های حاکم مانند سکولاریسم و لیبرالیسم در نظام سرمایه‌داری نیز اعتراف دارند که از نظر فلسفی ضعیف هستند اما چون گزینه بهتری وجود ندارد و با منافع قدرتمندان هماهنگی بیشتری دارد با استقبال مواجه شده و حاکمیت یافته است. اگر رقیب دیگری داشت زندگی انسان بسیار تغییر می‌کرد.

نگارنده در این کتاب و دیگر نوشته‌های خود کوشش دارد تا فلسفه‌ای نوین و جهانی ارائه دهد و بر پایه عرفان ایرانی و مکتب جمال‌طراحی جهانی برای پاسخ به پرسش‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان امروز تقدیم کند. بخشی از تحقیقات عرفانی این نظریه در اینجا نوشته شده و کلیاتی از آن گفته می‌شود. در مکتب جمال و فلسفه خاص آن اصالت به «زیبایی» داده می‌شود و با نگاهی خوشبینانه به هستی، زیبایی را در همه ذرات هستی جستجو می‌نماید و همین زیبایی‌یابی را ضروری‌ترین وظیفه انسان می‌داند. از طرفی زیبایی دارای فرزندى به نام عشق است و این دو بدون هم پیدا نمی‌شوند. به گفته حافظ:

جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند
زیبایی شایسته عشق ورزی است و با گرمای عشق می‌توان به زندگی معنایی جدید بخشید و بدینی‌ها را به خوشبینی تبدیل نمود. هرچه حوزه زیبایی را گسترش دهیم بر گرمای عشق و دایره حاکمیت عشق و محبت نیز افزوده می‌شود. با حاکمیت عشق می‌توان بر عمده‌ترین مشکلات بشری فائق آمد، اما نه با توصیه‌ای تکراری که از زبان‌های فراوانی شنیده می‌شود، بلکه

با فلسفه و دیدگاهی همه جانبه، چرا که قوانین خشک و منفعت طلبانه جهان چون به دنبال جلب منافع مادی بیشتر است، در عمل به خدمت امیال قدرتمندان درآمده و این قوانین مدت‌هاست که مبانی نظری خود را ضعیف و بلکه ناکارآمد نشان داده و اگر هنوز حاکمیت دارند بدان جهت است که مردم جهان آن را کم ضررتر دانسته و راهی دیگر برای نجات از این گرداب سراغ ندارند.

اگر هستی را زیبا بدانیم و انسان را موجودی زیباپرست معنا نماییم، آنوقت سرمایه‌ای با نام عشق بدست خواهیم آورد که می‌تواند جهانی نو و انسانی دیگر بسازد. از دیدگاه زیبایی‌پرستی هستی زیباست و آفریننده آن مطلق زیبایی و زیبایی مطلق است. عشق قانونی است که بر هستی حاکمیت دارد و انسان‌ها بر اثر غفلت و انحراف از زیبایی‌ها محجور مانده و عشق را نادیده گرفته‌اند و به همان اندازه گرفتار بلا شده‌اند. وگرنه به گفته حافظ:

عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد

ای خواجه درد نیست وگرنه طیب هست

باید تاریخ تمدن جدیدی برای بشر نوشت و فلسفه خلقت را با کلیدهایی چون زیبایی و عشق گشود. آنوقت به نگاهی نو به جهان خواهیم رسید. به گفته سعدی:

به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

و اگر پرسیده شود که این شادمانی چطور به وجود آمده است در آن

دیدگاه جمالی گفته می‌شود: (حافظ)

در ازل پرتو حُسن ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
و چرا به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند؟ چون زیبایی‌های هستی باید از
مخزنی زیبا سرچشمه گرفته باشد و عشق نیرویی است که هستی را به
حرکت درآورده و ابتدا باید هستی را زیبا دید و چون حافظ عقیده داشت:

نیست در دایره یک نقطه خلاف از کم و بیش

که من این مسئله بی‌چون و چرا می‌بینم
با چنین نگاهی می‌توان به زندگی معنا داد و به عشق آسمانی نیز راه یافت
و هدف از زندگی را دریافت. (حافظ:)

مرادِ دل ز تماشای باغ عالم چیست؟

به دستِ مردم چشم از رخ تو گل چیدن

در این دیدگاه گرمای زندگی و هستی از این عشق است و ادامه هستی را
بهترین دلیل بر این امر می‌دانند. (مولوی:)

دورِ گردون را ز موجِ عشق دان

گر نبودی عشق بفسردی جهان

این عارفان ایرانی از طریق زیبایی به عشق رسیده‌اند و آن را بر هستی
حاکم دانسته‌اند. (مولوی:)

ذره ذره عاشقان آن جمال

می‌شتابد در علو همچون نهال

و به گفته حافظ:

به پیش آینه دل هر آنچه می دارم

بجز خیال جمالت نمی نماید باز

در این مکتب همه ادیان و مذاهب محترم هستند و بدترین چیز جنگ و جدال است و از اصول این مکتب «صلح کل» می باشد، به گفته حافظ:

یک حرف صوفیانه بگویم اجازتست:

ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

و به گفته شیخ بهایی:

صلح کل کردیم با کل بشر

توبه ما خصمی مکن نیکو نگر

و بلکه آفرینش براساس صلح استوار است و به گفته مولوی:

هست بی رنگی اصول رنگها

صلحها باشد اصول جنگها

جنگ خلاقان همچو جنگ کودکان

جمله بی معنی و بی مفز و مہان

بزرگان مکتب جمال براساس عرفان و تصوف ایرانی حتی با دشمنان

خود محبت می کنند و درون را بنگرند و حال را، زیرا ملت عشق را از همه

دین ها جدا می دانند و عقیده دارند که عاشقان را مذهب و ملت خداست، اما

درک و دریافت عشق برای غیر عاشقان دشوار است و مولوی می گوید:

هر چه گویم عشق از آن بالاتر است

از محیط فهم انسان برتر است

در این کتاب، خواننده با دفتر نخست از مقالات عرفان جمالی روبروست که نگارنده با زبانی ساده به موضوعات اساسی و بنیادی عرفان پرداخته و در مجموع بخشی از فلسفه و عرفان جمالی خود را بیان نموده و خواننده را با مکتب زیبایی‌پرستی در عرفان ایرانی آشنا ساخته است. خلاصه اندیشه جمالی در این ابیات از کلیات شمس مشاهده می‌شود:

تا نقش خیال دوست با ماست

ما را همه عمر خود تماشا است

آنجا که وصال دوستان است

والله که میان خانه صحراست

چون عکس جمال او بتابد

کسار و زمین حریر و دیباست

علی اکبر افراسیاب‌پور

دی ماه ۱۳۸۴